خبر

سینما نباید در تهران متمرکز شود

امیرشهاب رضویان، کارگردان آثاری چون «سفر زمان» و «مینای شهر خاموش» در چهارمین اردوی فیلمسازی «ایده تا تولید» انجمن سینمای جوانان ایران، استاد راهنمای پنج هنرجو است تا با هدایت وی، اثری در ژانر فانتزی را تولید کنند. او درباره حضور در این اردو به عنوان استاد گفت: قبلا هم تجربه همکاری با فیلمسازان جوان و انجمن سینمای جوانان ایران را به عنوان مربی داشته‌ام و با این فضا بیگانه نیستم.

رضویان با اشاره به انتخاب هنرجویان از طریق ستاد مرکزی انجمن سینمای جوانان ادامه داد: مشخص است که این بچه‌ها گزینش شده هستند، قبلا تجربه فیلمسازی دارند و تازه‌کار نیستند. این فیلمساز در پاسخ به پرسشی درباره انحصار فیلمسازی و ارزیابی او از حضور جوانان اهل شهرستان در این اردو بیان کرد: کار خیلی خوبی است که انجمن سینما جوانان ایران در دوره جدید خود انجام داده است. به نظر من هم خوب نیست که سینما فقط در تهران منحصر و متمرکز شود و تقسیم امکانات و تولید آثار در شهرستان‌ها به کشف استعدادها و رشد سینمای ایران کمک می‌کند. رضویان در پایان درباره فعالیت‌های ویژه انجمن سینمای جوانان ایران گفت: انجمن سینمای جوانان تنها مرکزی که جوان‌های سراسر کشور می‌توانند در آن به صورت تئوریک و عملی با سینما مواجه شوند، دفاتر انجمن سینمای جوان بوده است./ ایلنا

چگونه سعید ابوطالب بارها از آب مافیا کره گرفته است؟

سری‌سازی بی‌محتوا در دو پلتفرم

امید رحمانی
گروه فرهنگ و هنر

فارغ از این‌که پلتفرم‌ها در این بازار مکاره و پرهیاهو و باوجود انواع و اقسام تولیدات و کلی بریز و بپاش، هرازگاهی تنها موفق به ساخت یکی دو سریال و برنامه تا حدودی پربیننده می‌شوند و آن را در بوق و کرنا می‌کنند، برخی اوقات هم استاد تخریب و به بیراهه بردن همان تک اثر نسبتا موفقی هستند که قبلا نمایش داده‌اند. یکی از مهم‌ترین مثال‌ها در این زمینه به کپی‌ها و برنامه‌های پیوندی برنامه «شب‌های مافیا» برمی‌گردد و سعید ابوطالب، از بس موفقیت و بازخورد مثبت این برنامه به او مزه کرده است، دست از سر بازی مافیا و متعلقات و مشتقات آن برنمی‌دارد و تا کفگیر پلتفرم‌ها به ته دیگ می‌خورد، دوباره با جنبه جدیدی از بازی مافیا سروکله‌اش پیدا می‌شود. برنامه‌هایی که در ساختار و سروشکل عملا همان بازی مافیا هستند و تنها در پوسته ظاهری تفاوت‌هایی جزئی دارند. این روند بیشتر از این‌که اسم دنباله‌سازی داشته باشد، بیشتر سری‌دوزی بدون ظرافت و خلاقیت هنرمندانه به‌نظر می‌رسد و نشان می‌دهد خود سازنده و مدیران پلتفرم‌ها تا ته چیزی را درنیاورند، این سفره گسترده و مستعمل را رها نمی‌کنند. یکی از دلایلی که پلتفرم را جمع می‌بندیم، همین بازی مافیا و مشتقات و کپی‌های آن است که در میان دو پلتفرم فیلیمو و فیلم‌نت عرضه می‌شود. همین مسأله نشان می‌دهد که اولا سازنده یک بازی (مافیا) را (هرچند با تفاوت‌هایی در ظاهر و جزئیات) به دو پلتفرم ارائه (و در حد نگاهی بدبینانه قالب) می‌کند و دوم این‌که خود پلتفرم‌ها (به‌ویژه این دومی) طرح و برنامه‌ای برای اثر موفق و پربیننده و مستقل دیگر ندارند و حاضر می‌شوند بستری برای نمایش دنباله برنامه موفق یک پلتفرم دیگر باشند.

مافیا بازی

در این‌که سعید ابوطالب، کارگردان و برنامه‌ساز خوب و موفقی به‌ویژه در زمینه رئالیتی‌شو است، تردیدی نیست و توانسته در این چند سال اخیر، توانایی‌اش را در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی نشان دهد. این کار البته به جز توانایی و استعداد، نیاز به هوش و ارتباطات هم داشت که ابوطالب به‌واسطه پیشینه و موقعیتش از هر دوی آنها برخوردار بوده است. شاید اگر هر کارگردان و تهیه‌کننده دیگری جز ابوطالب می‌خواست چنین برنامه‌ای بسازد، با آن موافقت نمی‌شد یا به‌سختی مجوز آن را دریافت می‌کرد اما ابوطالب هم به علت تجربیاتش در رئالیتی‌شو و برنامه‌هایی چون شام ایرانی، سرزمین ایرانی و رالی ایرانی و هم به‌دلیل همان مناسبات و رفاقت‌هایی که دارد، مسیر هموار برای ساخت برنامه‌ای مثل شب‌های مافیا پیش‌رو داشت. باز از نکته‌های قابل اشاره دیگر این‌که ابوطالب که زمان فعالیتش در کمیسیون فرهنگی مجلس، طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره را دنبال می‌کرد، حالا خود از طریق برنامه‌سازی با مدل ماهواره‌ای و نمونه‌های خارجی- البته با محتوای وطنی- به فکر مقابله با جریان نفوذ و معطوف کردن توجه مخاطب از ماهواره به محصولات فرهنگی داخلی است و این نگاه را در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی دنبال می‌کند.

منتقدی مروج فرهنگ غربی

هرچند این نگاه کمی خوشبینانه است و در حالتی بدبینانه و چه‌بسا واقع‌بینانه می‌توان این برنامه‌ها را کپی دست چندم و اینجایی نمونه‌های موفق جهانی بدون کپی‌رایت دانست و گفت کسی که زمانی اعلام کرده بود: «سازمان صداوسیما موظف است حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این قانون (طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره‌های پخش مستقیم) با راه‌اندازی حداقل سه شبکه تلویزیونی با گستره کشوری نسبت به دریافت و پخش همزمان آن دسته از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای که مغایر با ارزش‌ها و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی نباشد، اقدام کند.» در این چند سال خودش به مروج فرهنگ غربی و ماهواره‌ای تبدیل شده است، هرچقدر برنامه‌ای مثل شام ایرانی تا حدودی توانسته باشد به نمونه‌ای رام و اینجایی تبدیل شود. برنامه‌ای مثل شب‌های مافیا چندان با سازوکار فرهنگ ایرانی-اسلامی سازگار نیست و با وجود همه تلاش‌ها و رعایت‌ها، تقریبا همه چیز این برنامه رنگ و بویی غربی دارد و فارغ از اصطلاحات خاص بازی مافیا، بیشتر شاهد ادا و اصولی بیگانه با فرهنگ ایرانی هستیم.

ترویج فضای تجملی

گرچه این بازی استدلالی و گروهی ممکن است دستاوردهایی چون دعوت به وحدت و همدلی داشته باشد اما مسیر موفقیت و پیروزی آغشته به انواع خدعه، نیرنگ و فریب است و حتی تکرار آن در قالب یک بازی هرچقدر هم جذاب باشد، اثرات و تبعات منفی خود را در جامعه خواهد گذاشت. حالا فکر کنید چنین برنامه‌ای با این تفکر و نگاه، چطور در پنج سری و تعداد پرشماری فصل و قسمت تولید و در پلتفرم فیلیمو به نمایش گذاشته شد. به جز بحث اثرات مخرب فرهنگی ناخواسته، ترویج فضای لاکچری و تجملی هم یکی دیگر از ویژگی‌های ناخوشایند برنامه شب‌های مافیا بود و بازیگران با پوششی تقلیدی از کاراکترهای غربی و سینما و تلویزیون آن‌سوی آب‌ها در برنامه حاضر می‌شدند که تناسبی با هنر و شخصیت‌شان و ریخت مورد انتظار یک برنامه ساخت ایران نداشت. برنامه شب‌های مافیا گرچه در شروع و فصل‌های اول و به‌واسطه حضور مسلط محمدرضا علیمردانی به‌عنوان گرداننده و وجود چند بازیکن خوب مثل حامد آهنگی، مجید واشقانی و خداداد عزیزی گل کرد و نان محبوبیت بازی مافیا در جامعه و میان جوانان را می‌خورد و حتی می‌توان گفت که به این بازی در کشور و محفل‌های دوستانه و کافه‌ای دامن زد اما از جایی به بعد به قدری به تکرار رسید که خودش تیشه به ریشه خودش زد. حضور هنرمندان و چهره‌هایی که مهارتی در بازی مافیا نداشتند به افت کیفی برنامه منجر شد و به‌جز این برخی تقلب‌ها که از چشم آن همه دوربین و حتی تدوینگر پنهان می‌ماند و به پخش می‌رسید و شوخی‌های کلامی نابجا و به دور از ادب و احترام برخی بازیکنان و از کوره در رفتن‌های عده‌ای دیگر، به پاشنه آشیل برنامه شب‌های مافیا تبدیل شد. با این حال ابوطالب و فیلیمو کماکان به ادامه این برنامه اصرار داشتند و جز سوددهی مالی به چیز دیگری فکر نمی‌کردند.

بازگشت ناخوشایند پدرخوانده

وقتی نام پدرخوانده را می‌بینیم، بیشتر از هر چیز یاد رمان ماریو پوزو و فیلم مشهور و محبوب فرانسیس فوردکاپولا می‌افتیم که مارلون براندو در آن نقش دون ویتو کورلئونه و پدرخوانده مافیا را بازی می‌کرد. بعدها و در نیمه دوم ۸۰ میلادی هم که بازی مافیا در روسیه کلید خورد و به‌تدریج جهانی شد، موقع مواجهه با بازیکن پدرخوانده (رئیس مافیا) باز هم این چهره دفرمه و خسته دون ویتو کورلئونه با آن طمانینه و چانه کج است که در ذهن ما سنگینی می‌کند. اما این ذهنیت از پدرخوانده در برنامه‌ای به این نام در پلتفرم فیلم‌نت دستخوش تغییر ناخوشایندی شد. این برنامه که دنباله برنامه شب‌های مافیا بود، با وجود برخی تغییرات ظاهری و حتی ساختاری در بازی، همان بازی مافیا در سر و شکلی ظاهرا تازه بود و نه‌تنها برنامه چشمگیری از آب درنیامد، بلکه به دلیل ادامه کم و بیش فضای شب‌های مافیا و نابلدی بیشتر بازیکنان، مسیر اشتباه آنها و غیبت بازیکنان درجه یک، به رقابتی طولانی و فرسایشی در هر قسمت تبدیل شد. همه آن نیت و تلاش ابوطالب و سازندگان این برنامه برای جهانی متفاوت از شب‌های مافیا و دوری از نقاط ضعف و اشتباهات آن برنامه و طراحی مسابقه‌ای تازه با موضوع بازی مافیا و یک ماه یادگیری و تمرین بازیکنان قبل از برنامه، در عمل راه به جایی نبرد و این برنامه نه‌تنها موفق به تکرار برنامه شب‌های مافیا نشد، بلکه حتی تجربه خوب تماشای قسمت‌ها و فصل‌های ابتدایی آن برنامه مبدا را هم لوث کرد و از بین برد. همان‌طور که اشاره کردیم، خود برنامه شب‌های مافیا از جایی به بعد یکسره به تکرار و از رونق افتاد، آن وقت سازندگان این رئالیتی‌شو با چه جرات و اعتماد به نفسی، طعامی تکراری را هرچند با ظاهر و تزئین اندکی متفاوت اما دقیقا با همان ترکیبات غذایی پیش روی مخاطبان قرار دادند و مهم‌تر این‌که مدیران پلتفرم فیلم‌نت چطور حاضر شدند شام بیات پلتفرم دیگری چون فیلیمو را سِرو کنند؟ نکته دیگر این‌که آنچه پدرخوانده را به نسخه‌ای تکراری و ناموفق از شب‌های مافیا تبدیل کرد، دایره تقریبا بسته و تکراری بازیکنان بود و همان چهره‌هایی که حضورشان در شب‌های مافیا هم به ورطه تکرار رسیده بود، باز هم در پدرخوانده لبخندهای تصنعی غربی تحویل مخاطبان می‌دادند.

ارتش شکست‌خورده سری

فاجعه شب‌های مافیا با رئالیتی‌شو «ارتش سری» به کارگردانی سعید ابوطالب کامل شد و حتی می‌شد قبل از مواجهه و با توجه به عقبه ناموفق پدرخوانده، شکست آن را پیش‌بینی کرد. گرچه شاید تفاوت ظاهری ارتش سری با پدرخوانده و شب‌های مافیا محسوس‌تر باشد و از پوشش و لایه بیرونی سریال مشهور و محبوب ارتش سری محصول بی‌بی‌سی استفاده شده است اما باز این بهره‌مندی از سازوکار بازی مافیاست و با یک بازی گروهی و استدلالی مواجهیم که مثل بازی مافیا که یک گروه مافیا و یک گروه شهروندان مقابل هم قرار می‌گیرند، اینجا هم یک گروه گشتاپو (آدم بدها) و یک گروه پارتیزان (آدم خوب‌ها) را داریم که به جنگ یکدیگر می‌روند. فارغ از این‌که به دلیل ترکیب بازیکنان و طراحی بد لباس‌ها که قرار است تداعی‌کننده فضای سریال ارتش سری باشد، این رئالیتی‌شو کاملا در سطح حرکت می‌کند و تصنعی به نظر می‌رسد. استفاده از آن ماسک‌های برنامه «پدرخوانده» به عنوان نمونه هم نشان می‌دهد این ادامه همان سفره پهن‌شده برنامه‌های پیشین ابوطالب است و دیگر هم فرقی نمی‌کند بازی مافیا با چه سروشکلی و با چه اسمی و در کدام پلتفرم تولید و پخش شود. تاریخ مصرف این فست‌فود بی‌مزه دیگر سرآمده است. چرا فست فود؟ چون یک بار ابوطالب در گفت‌وگوی اختصاصی با جام‌جم و در قیاس با برنامه‌های تلویزیونی که به زعم او مثل غذای خانگی و دستپخت مادر هستند- شبکه نمایش خانگی را مثل فست‌فود و غذای بیرون دانسته و گفته بود: «فست‌فود را می‌شود ماهی یا هفته‌ای یکبار خورد. اگر ۱۰ روز پشت سر هم بخورید، باید در بیمارستان بستری شوید.» حالا این‌که چرا ابوطالب کماکان اصرار دارد فست‌فود تکراری را به خورد مخاطبان دهد و برای تهدید سلامتی فرهنگی جامعه با پلتفرم‌ها دست به یکی کند، نمی‌دانیم.

زاویه دید

داوود صبوری، تهیه‌کننده فیلم «اتاقک گلی»:

«اتاقک گلی» ظرفیت اکران نوروزی دارد

ما در نظر داریم که «اتاقک گلی» را فصل بهار اکران کنیم، چون پخش‌کننده‌ها درخواست اکران نوروزی دارند. به هرحال، بهار بهترین فرصت برای اکران این فیلم است و فرقی میان فروردین تا خرداد نیست؛ البته بخش رنگ و جلوه‌های ویژه بصری کار نیاز به کامل شدن دارد و باید در این سه ماه اتاقک گلی را اکران کنیم. در روزهای نوروز و فروردین چند روز تعطیل است و مردم به مسافرت می‌روند و معتقدم باید فیلم‌هایی مانند اتاقک گلی را ببینند و دیدن آن را به یکدیگر توصیه کنند و به این ترتیب نوعی تبلیغ اتفاق می‌افتد، چون فیلم کمدی را حتی مردم در شهرستان هم می‌بینند. اتاقک گلی ظرفیت لازم برای نمایش در زمان نوروز را دارد، چون تجربه خوبی از اکران فیلم «موقعیت مهدی» داشتیم. در حقیقت ما برای اکران فیلم در آن زمان به‌دلیل قرار گرفتن در زمان کرونا نگران بودیم اما متوجه شدیم مردم بعد از سه روز از فیلم استقبال کردند. وقتی فیلم را اکران نکرده بودیم، خبر خاصی درباره آن وجود نداشت اما بعد از دیده شدن فیلم در نشست خبری در سالن رسانه جشنواره فیلم فجر چهل‌ویکم اهالی رسانه اعلام کردند که از این فیلم خوش‌شان آمده است و فکر می‌کنم مردم به اعتماد حرف اهل رسانه، فردای آن روز رفتند بلیت خریدند.

ما مشکلی برای تبلیغات فیلم اتاقک گلی هم نداریم، چون بهترین فیلم از نظر شهردار شد و نامزدی اتاقک گلی در ۱۱ رشته به‌طور قطع در فروش فیلم و توجه مخاطب به اکران تأثیرگذار است، چون بعد اعلام نامزد شدن فیلم در این رشته‌ها، فردای آن روز بلیت‌های ما فروش رفت و حتی در پردیس کوروش نیز سئانس فوق‌العاده داشتیم و به‌رغم این‌که گفته می‌شود سینما را تحریم می‌کنند یا تحریم کردند، این استقبال نشان می‌دهد که نگاه مردم به فیلم‌هایی که نامزد می‌شود، مثبت است.

فکر می‌کنم به دلیل دوری از شعارزدگی و مباحث صرف جنگی، در اتاقک گلی، زندگی، عشق، مقاومت و ایثار وجود دارد و این موجب جذب و ترغیب مخاطب برای دیدن فیلم می‌شود. مخاطبان اتاقک گلی کسانی هستند که برای این نوع فیلم‌ها و شهدا ارزش قائلند و اگر بشنوند که شهدای فیلم واقعی هستند و وجود خارجی دارند، به‌طور قطع از آن استقبال می‌کنند و من خیلی نسبت به این قضیه خوشبین هستم. علاوه بر این، مطمئنم اگر این فیلم اکران شود، خیلی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان سراغ تورج الوند برای همکاری می‌آیند، چون از نهایت استعداد خود برای اتاقک گلی استفاده کرد و از آن بهره برد و متأسفانه به حقش در جشنواره فیلم فجر چهل‌ویکم نرسید.

فکر می‌کنم این نگرش که استقبال مردم از فیلم‌های جنگی با حال و هوای مقاومت در فصل بهار و نوروز خوب است، درست است. وقتی با چند صاحب‌نظر و پخش‌کننده صحبت کردم، معتقد بودند اتاقک گلی دیدگاه مردمی نسبت به دفاع‌مقدس دارد که در آن یک روایت انسانی تعریف می‌شود و بیننده را جذب می‌کند که از آن خسته نمی‌شود. با توجه به این‌که پایان‌بندی فیلم نیز جذاب است، به‌طور قطع با سه روز اکران مخاطبان خود را به سالن سینما می‌کشاند.

یافتن راهکار برای رونق‌بخشی به سینما سخت است و باید دولت وارد این موضوع شود تا سینماها انگیزه‌ای برای اکران فیلم‌ها پیدا کنند و مثلا می‌توانند بلیت را ارزان‌تر بفروشند. در تمام دنیا دولت به دنبال یک بهانه مثل دانشجو یا کارمند و کارگر بودن است تا بتواند بلیت را با تخفیف به مردم بفروشد. من نیز برای اتاقک گلی دنبال اختصاص دادن چنین تسهیلاتی برای اولین اکران هستم و حاضرم دو روز اول اکران فیلم را فقط به اصحاب رسانه اختصاص دهم. همچنین در فکر اکران جهانی اتاقک گلی نیز هستیم و در حال حاضر پیشنهادهایی از کشورهای کرواسی، عراق و لبنان داریم.

قاب

دیدار هیات هنری سوریه با مدیران سازمان سینمایی

هیأت هنری سوریه، متشکل از مدیران مطرح و تراز اول این کشور که به دعوت حوزه هنری انقلاب اسلامی به ایران سفر کرده‌اند، در دومین روز از حضور در کشورمان با مدیران سازمان سینمایی سوره دیدار کردند و درباره همکاری‌های بیشتر هنری با هم گفت‌وگو کردند. در این دیدار فیلم «اخت‌الرضا» که هنوز به اکران عمومی در نیامده و ساخته سازمان سینمایی سوره است، برای هیات هنری سوریه به نمایش درآمد. این فیلم به بخشی از زندگی حضرت معصومه(س) و هجرت ایشان از مدینه به سمت ایران برای دیدار با برادر بزرگوارشان امام رضا(ع) پرداخته است.

رویداد

حضور ۴۰ کشور در هفدهمین جشنواره فیلم مقاومت

مدیر کمیته بین‌الملل هفدهمین جشنواره فیلم مقاومت از حضور ۴۰ کشور و بیش از ۳۰۰ سینماگر خارجی در این دوره خبر داد.

دکتر محمدعلی مومنی‌ها با تاکید بر این‌که آثار خوبی با محوریت مقاومت به دبیرخانه جشنواره ارسال شده، گفت: با توجه به مهم بودن ابعاد جهانی و بین‌المللی گفتمان مقاومت، رایزنی گسترده‌ای را با فیلمسازان و هنرمندان سینماگر بین‌المللی آغاز کردیم که خوشبختانه از لحاظ وسعت جغرافیایی و تعدد کشور، آثار خوبی با محوریت مقاومت به دبیرخانه جشنواره ارسال شده است. فراگیری مضمونی و موضوعی محتوای فراخوان، به‌حدی بود که توجه همه کشورهای دنیا را با هر عقیده و مسلکی به خود جلب کند. ملاک ما برای ارسال آثار، ضدامپریالیستی بودن نگاه کارگردان اثر بود که در این خصوص آثار زیادی نیز به دبیرخانه ارسال شد. هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت؛ با شعار «گفتمان مقاومت، نهضت جهانی مستضعفین و آزادی قدس شریف» به همت انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح، اسفندماه سال جاری در خلیج فارس برگزار خواهد شد./ جام جم

تولید

پایان فیلمبرداری فیلم کوتاه «ایما»

فیلم کوتاه «ایما» به کارگردانی بهادر زمانی و تهیه‌کنندگی مشترک فریما خلیلی و بهادر زمانی و نویسندگی بابک پورعابدینی با اتمام کار بازیگران و پایان فیلمبرداری روی میز تدوین قرار گرفت.

بهادر زمانی پیش از این به‌عنوان بازیگر در سینمای ایران معرفی شده و اکثرا او را با بازی در نقش حضرت عباس(ع) فیلم «رستاخیز» می‌شناسند. او دانش‌آموخته کارگردانی سینما زیر نظر استادانی چون کامبوزیا پرتوی و محمدعلی سجادی است که به‌تازگی اولین فیلم بلند خود با عنوان «برکه خاموش» را ساخته است. فیلم کوتاه ایما، تازه‌ترین اثر اوست که با پرداختن به آیین و رسوم کهن اقوام، تلاش دارد تا مضمونی انسانی را با مخاطبان به اشتراک بگذارد. فیلم کوتاه ایما یکی از تولیدات کمپانی بین‌المللی Raw بوده که چندی است فعالیت خود را در عرصه تولید فیلم، تئاتر و پخش بین‌الملل این آثار آغاز کرده است. فیلم‌های کوتاه درخت سفید، اشانتیون، دال لی، فیلم بد، محسن براتی و تئاتر «چهلمین مرد یا بیست‌وهشتمین زن» از جمله آثاری هستند که تاکنون در این کمپانی هنری تولید شده‌اند.